

GES	Journal of Geography and Environmental Studies, 13 (49), Spring 2024 https://sanad.iau.ir/journal/ges ISSN: 2008-7845
-----	--

Research Paper

Evaluating the Effects of Government Policies on the Economic Development of Rural Areas (Case Study: Villages of Astara County)

Ebadolahian, Fereshteh

Phd. Student, Department of Geography and Rural Planning, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran

Hasanimehr, Seyyede Sedighe (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Geography, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran
Email: SS.Hasanimehr@iau.ac.ir

Shahmari Ardjani, Rafat

Assistant Professor, Department of Geography, Astara Branch, Islamic Azad University, Asrata, Iran


Asghari, Hossein

Assistant Professor, Department of Geography, Astara Branch, Islamic Azad University, Asrata, Iran

Abstract

The requirement to achieve national development is to improve the level of capabilities of rural communities in the economic sector. In this regard, it is considered necessary to evaluate the existing policies for the economic development of rural communities. For this purpose, the current research was written with the aim of evaluating the impact of government policies on the economic development of the villages of Astara County, with an emphasis on the fourth and fifth development plans. The research method in the present research is mixed (quantitative-qualitative) with practical purpose and analytical-exploratory nature. The statistical population of the research also includes managers, officials and experts on rural issues in Gilan province and Astara county, and using Cohen's formula at the 95% confidence level, 70 people have been determined as the sample size. Also, in line with data analysis were used one-sample t-tests and linear and logarithmic regression in SPSS software. The findings of the research show that the level of employment during the fourth and fifth development plans in the villages of Astara County had an upward trend, although with a slow slope. Also, commercial-industrial centers under the support of the Cultural Heritage and Tourism Organization have experienced a growth of 26.56 percent during the fourth plan and a significant growth of 155.7 percent during the fifth development plan. Rural food industries also increased by 87.5 percent during the fourth period of development, which shows a growing trend during the fifth development plan as well, but with a lower slope. On the other hand, the examination of 5 major policies during each of the 4th and 5th plans shows that the influence of the 5th plan on the economic development of the villages of Astara was much greater.

Key words: Rural development, Development programs, Government policy making, Astara County.

<p>Citation: Ebadolahian, F.; Hasanimehr, S.S.; Shahmari Ardjani, R.; Asghari, H. (2024), Evaluating the Effects of Government Policies on the Economic Development of Rural Areas (Case Study: Villages of Astara County), Journal of Geography and Environmental Studies, 13 (49), 42-55.</p> <p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>	
---	---

مقاله پژوهشی

ارزیابی اثرات سیاست‌های دولت در توسعه اقتصادی مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان آستارا)^۱

فرشته عبادالهیان

دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران

سیده صدیقه حسنی مهر

استادیار، گروه جغرافیا، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران

رفعت شهرداری اردجانی

استادیار، گروه جغرافیا، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران

حسین اصغری

استادیار، گروه جغرافیا، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران

چکیده

لازمه‌ی رسیدن به توسعه‌ی ملی، ارتقاء سطح توانمندی‌های جوامع روستایی در بخش اقتصادی است. در این راستا، ارزیابی سیاست‌های موجود در راستای توسعه‌ی اقتصادی جوامع روستایی ضروری تلقی می‌گردد. بدین منظور پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تأثیر سیاست‌های دولت بر توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا با تأکید بر برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نگارش شده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی-کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی-اکتشافی می‌باشد. جامعه‌ی آماری تحقیق نیز شامل مدیران، مسئولان و کارشناسان مسائل روستایی استان گیلان و شهرستان آستارا بوده که با استفاده از فرمول کوهن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۷۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است. همچنین در راستای تحلیل اطلاعات از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای و رگرسیون خطی و لگاریتمی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان اشتغال در طول برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه در روستاهای شهرستان آستارا روند صعودی، هرچند با شیب کند، داشته است. همچنین مراکز تجاری-صنعتی تحت حمایت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با رشد ۲۶/۵۶ درصدی طی برنامه‌ی چهارم و رشد قابل ملاحظه‌ی ۱۵۵/۷ درصدی در طی برنامه‌ی پنجم توسعه روبه‌رو بوده است. صنایع غذایی روستایی نیز طی دوره‌ی چهارم توسعه افزایش ۸۷/۵ درصدی را داشته است که این مقدار در طول برنامه‌ی پنجم توسعه نیز همچنان روند روبه رشد ولی با شیب کمتر را نشان می‌دهد. از طرفی بررسی ۵ سیاست عمده در طول هر کدام از برنامه‌های چهارم و پنجم نشان می‌دهد که تأثیر برنامه‌ی پنجم بر توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا به مراتب بیشتر بوده است.

کلمات کلیدی: توسعه‌ی روستایی، برنامه‌های توسعه، سیاست‌گذاری دولتی، شهرستان آستارا.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

نویسنده مسئول: سیده صدیقه حسنی مهر، استادیار، گروه جغرافیا، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران، SS.Hasanimehr@iau.ac.ir

۱. مقاله‌ی حاضر مستخرج از رساله‌ی دکتری تحت عنوان پیامدهای سیاست‌های دولت در توسعه‌ی روستایی طی برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان آستارا) با همکاری نویسندگان می‌باشد.

بیان مسئله:

بر اساس اعلام مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد^۱ (۱۹۷۸) و تأکید اعلامیه‌ی استانبول (۱۹۹۶)، تحقق و دستیابی به توسعه‌ی پایدار در سکونتگاه‌های انسانی نشأت گرفته از استقرار پایدار انسانی در سطوح مختلف (روستا، شهر و کشور) می‌باشد (Ferreira et al, 2022:178). در این راستا، سکونتگاه‌های روستایی سطح اولیه و بنیادی در سیستم سکونتی انسانی به‌شمار می‌روند. با این وجود تحقیقات و برنامه‌های معدودی در راستای سکونتگاه‌های روستایی و توسعه‌ی آن‌ها انجام گرفته و تمرکز اصلی برنامه‌ریزان بر سکونتگاه‌های شهری (Yuliastuti and Saraswati, 2014:32; Komeily and Srinivasan, 2015:33) و حومه‌ها بوده است (Aguilar, 2008:135; Thorn et al, 2015:122). بنابراین، ضروری است تا مناطق روستایی به‌عنوان سطح اولیه‌ی استقرار انسانی و تأثیرگذار در سیستم سکونتی مورد بحث و بررسی بیشتر و جدی‌تر قرار گیرند (Cirella and Tao, 2010:280; Deng et al, 2010:496). همچنین نیاز است تا توسعه‌ی مناطق روستایی همراستا با مناطق شهری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه اصولی مدیران و مسئولان قرار گیرد (Freshwater, 2007:29). به‌طور کلی می‌توان گفت که توسعه‌ی روستایی فرایندی است که منجر به ارتقاء سطح زندگی مردم در جامعه‌ی روستایی می‌شود؛ یعنی توسعه‌ی روستایی به‌عنوان یک مفهوم، آمیزه‌ای از عمران کلی مناطق روستایی توأم با اصلاح و بهبود کیفیت زندگی مردم روستایی است. بر این اساس می‌توان بیان داشت که توسعه‌ی روستایی یک امر جامع و چندبعدی بوده که دربرگیرنده‌ی توسعه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های غیرکشاورزی وابسته به آنها یعنی صنایع دستی، صنایع روستایی، صنایع سبک و صنایع تبدیلی و زیربنای عمرانی به همراه خدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تسهیلات مربوط به آنها می‌باشد (Vargas, 2010:68). به‌منظور تحقق توسعه‌ی مناطق روستایی نیاز به بهره‌مندی از سیاست‌ها و راهبردهای اساسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی احساس می‌گردد. بنابراین سیاست‌گذاری توسعه‌ی روستایی جزئی از سیاست عمومی جوامع است که بایستی همسو با امکانات و محدودیت‌های زمینه و بستر هر منطقه‌ی جغرافیایی باشد (Abreu et al, 2022:233; Torre et al, 2023:429). به عبارتی علاوه بر تأکید سیاست‌های کلان در توسعه‌ی روستایی، نیازمند مدیریت بومی کارآمد می‌باشیم (Hu et al, 2022:2). همچنین سیاست‌گذاری توسعه‌ی روستایی به جنبه‌هایی از اقدامات دولتی گفته می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر ماهیت توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در نواحی روستایی تأثیر می‌گذارد (Freshwater and Trapasso, 2014:178; OECD, 2006:176). عناصر کلیدی در سیاست‌گذاری فضایی روستایی شامل مکان‌ها، مردم و فعالیت‌ها هستند. برای اینکه سیاست‌های فضایی توسعه‌ی روستایی مؤثر واقع شود، باید سه بعد معین زندگی روستایی (مردم، مکان و فعالیت‌های اقتصادی) با هم یکپارچه شوند (Cheshire, 2017:1; Howlett, 2011:263). در ایران بالاترین اسناد و سیاست‌های توسعه‌ی مناطق مختلف و به‌ویژه روستاها، مربوط به برنامه‌های ۵ساله‌ی توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. در این راستا، ارزیابی میزان تأثیر این برنامه‌های توسعه در تحقق توسعه‌ی مناطق روستایی می‌تواند نقش سیاست‌گذاری دولتی را در توسعه‌ی روستاها مشخص نماید. بدین منظور، تحقیق حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی سیاست‌های دولت (در قالب برنامه‌های چهارم و پنجم) بر توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا نگارش شده است. طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان آستارا ۹۱۲۵۷ نفر بوده که از این تعداد، ۲۸۴۴۳ نفر یعنی ۳۱/۱۷ درصد (حدود یک‌سوم جمعیت) در مناطق روستایی اسکان داشته‌اند. بنابراین توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا به‌عنوان یکی از الگوهای مهم سکونتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و ارزیابی تأثیر سیاست‌های دولتی می‌تواند برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی این مناطق طی دوره‌های آتی را تسهیل نماید. با توجه به هدف مطرح‌شده، پاسخگویی به سؤال زیر اساس کار پژوهش حاضر می‌باشد:

1. UN-Habitat

- سیاست‌گذاری‌های دولتی در قالب برنامه‌های ۵ساله‌ی توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (برنامه‌های چهارم و پنجم) چه تأثیری بر توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا گذاشته است؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

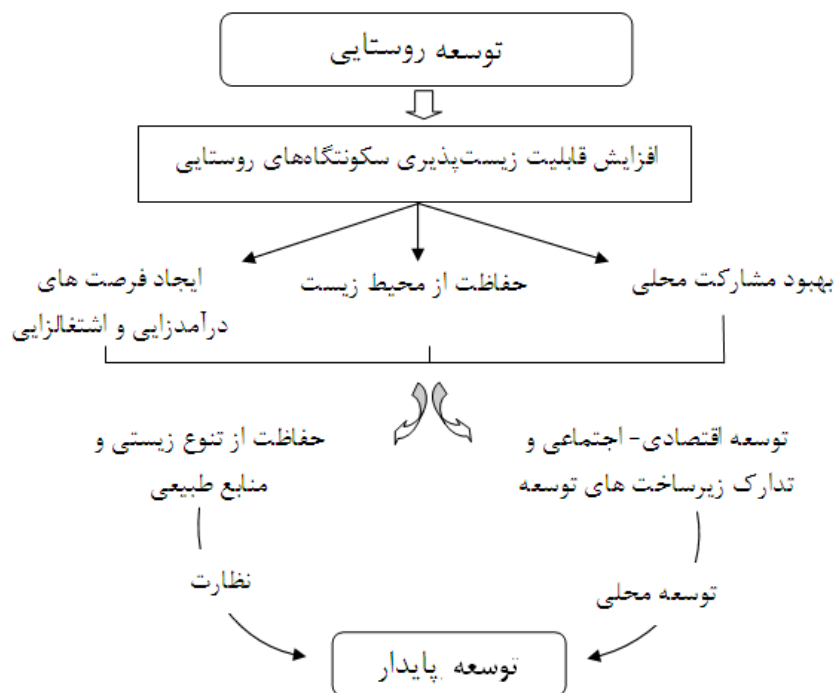
توسعه‌ی روستایی و نقش سیاست‌های دولت در این راستا، موضوعی است که در سال‌های اخیر مطالعات متعددی را به خود اختصاص داده که در ادامه به برخی از این مطالعات پرداخته می‌شود.

سیدنقوی و بابایی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی سیاست‌های توسعه‌ی اقتصاد روستایی از دیدگاه منطقه‌ای با نگاهی بر سیاست‌های دولت در ایران، به این نتایج دست یافته‌اند که نگاه دولت به روستاها، منطقه‌ای نبوده است. به عبارت دیگر، دولت به روستاها به صورت یکسان نگریده و ویژگی‌های یکتا و منحصر به فردشان را نادیده گرفته است. همچنین نگاه دولت به این نواحی مبتنی بر کشاورزی بوده و در این نگاه، به شهرها و دیگر نواحی مجاور روستاها توجهی نشده است. بدری و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به تحلیل محتوای کیفی سیاست‌های فضایی توسعه‌ی روستایی ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های فضایی توسعه‌ی مناطق روستایی به سوی عوامل برنامه و بودجه‌ریزی، ابعاد زیربنایی-کالبدی، اقتصادی و حمایت از مناطق عقب‌مانده است؛ درحالی که سهم عوامل اجتماعی، زیست‌محیطی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی در تدوین این سیاست‌ها اندک است. طالبی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود تحت عنوان نقش دولت در توانمندسازی جوامع روستایی، ناحیه‌ی کاشان در ایران مرکزی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۷۵ درصد روستاها دارای توانمندسازی ضعیف و متوسط و همچنین ۶۷ درصد روستاها با سرمایه‌گذاری ضعیف و متوسط ارزیابی شده‌اند. بنابراین رابطه‌ی مثبت و مستقیم بین سرمایه‌گذاری و توانمندسازی روستائیان وجود دارد. بدین ترتیب در برنامه‌های توسعه‌ی پایدار روستایی باید به برنامه‌ریزی مشارکت‌مدار و تسهیل‌گر، واقع‌گرا، پایین به بالا و غیرمتمرکز، انجام مطالعات آمایش منطقه‌ای و محلی، ارتقاء مسئولیت‌پذیری فردی در سطوح طراحی و اجرای برنامه توجه شود. چن و اسکات^۱ (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ی خود تحت عنوان استراتژی‌های توسعه‌ی روستایی و نقش دولت در توسعه‌ی تعاونی‌های کشاورزان در چین به این نتایج دست یافته‌اند که این تعاونی‌ها با چالش‌های بزرگی برای توسعه‌ی بیشتر روبه‌رو هستند، از جمله دسترسی محدود به زمین و سرمایه، از دست دادن انبوه نیروی کار، رقابت‌پذیری پایین در بازار، ضعف مدیریت داخلی و حمایت محدود دولت. محمد و محمد^۲ (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان نقش دولت محلی در توسعه‌ی روستایی در نیجریه، دولت محلی لافیا^۳ در ایالت ناساراوا^۴ را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت محلی لافیا توسعه‌ی روستایی را از طریق ارائه‌ی امکانات اجتماعی به محل افزایش می‌دهد. همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته‌ی دولت کیفیت زندگی روستائیان را از طریق دولت محلی بهبود بخشیده است. بنابراین به منظور ارتقاء عملکرد دولت محلی باید به آنها خودمختاری اعطا شود، پایه‌ی درآمدی آنها باید متنوع گردد و فرمول تخصیص درآمد به دولت‌های محلی افزایش یابد.

بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که تأثیر سیاست‌های دولت در توسعه‌ی روستایی در اکثر موارد در تحلیل محتوای کیفی برنامه‌ها یا در نظر گرفتن یکی از ابعاد این سیاست‌ها بوده است. بدین منظور نوآوری پژوهش حاضر، بررسی سیاست‌های برنامه‌های توسعه در توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا با در نظر گرفتن تأثیر آنها در ابعاد مختلف اقتصاد روستایی در یک دیدگاه جامع و همچنین بررسی تأثیر آنها در طول دو برنامه‌ی ۵ساله (۱۳۸۴-۱۳۸۸) و (۱۳۸۹-۱۳۹۳) بوده است.

1. Chen and Scott
2. Mohammed and Muhammad
3. Lafia
4. Nasarawa

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که در کشورهای جهان سوم به رغم وجود ارزش‌ها، نظام‌های اعتقادی و حکومتی مختلف، دو شیوه‌ی متفاوت بر برنامه‌ریزی‌های روستایی حاکم بوده است: دیدگاه یا شیوه‌ی بهبود^۱ و شیوه‌ی دگرگون‌سازی^۲ (ازکیا، ۱۳۹۰:۶۷). با توجه به این دو شیوه، هدف‌های مختلفی در برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی مدنظر قرار گرفته است. بر همین اساس تعاریف توسعه‌ی روستایی نیز متعدد و متفاوت است. محققان بسیاری در باب توسعه‌ی روستایی اندیشیده‌اند و راه‌حل ارائه نموده‌اند (Garnevska et al, 2011:70; Patrick, 2002:27). آنان در مجموع توسعه‌ی روستایی را جدای از توسعه کلی یک کشور ندانسته، آن را فرایندی می‌دانند که تغییرات عمده‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در محیط روستایی ایجاد خواهد کرد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۵:۶۶). در همین راستا مروری بر متون مرتبط با توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد؛ توسعه‌ی روستایی عبارت است از فرآیند توانمندسازی و تقویت قابلیت زندگی از نظر کیفیت زندگی، کیفیت محیط و کارایی اقتصادی و بهبود کیفیت بیوفیزیکی در نواحی روستایی که دارای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است (شمس‌الدینی و جمینی، ۱۳۹۵:۳۷). هر یکی از این ابعاد با توجه به تاثیرگذاری و تاثیر پذیری که از محیط روستایی دارند، در دستیابی به توسعه‌ی روستایی دارای اهمیت قابل توجهی هستند (Woka Ihuah et al, 2014:63; Qingjuana et al, 2011:781). همچنین توسعه‌ی روستایی به‌عنوان جزئی از توسعه‌ی ملی، دارای مفهومی ارزشی و مکتبی است که هدف کاهش فقر، رفع سوء تغذیه، توسعه‌ی فرصت‌های شغلی، بهبود بهره‌وری و درآمد، افزایش تولید کشاورزی، افزایش خوداتکائی، تأمین امنیت اجتماعی و انتقال منابع عمومی به مناطق روستایی را مدنظر دارد (آسایش، ۱۳۸۵:۲۳). با توجه به مطالب ارائه‌شده می‌توان توسعه‌ی روستایی و ابعاد آن را به شرح شکل شماره ۱ ترسیم نمود.



شکل (۱): توسعه‌ی روستایی با تأکید بر ابعاد مختلف

مأخذ: (Ross and Wall, 1999) بازترسیم نگارندگان، (۱۴۰۱).

مسئله‌ی توسعه‌ی روستایی در ایران همیشه جایگاهی محوری در نظام سیاست‌گذاری کشور داشته است؛ به بیان دیگر در سال‌های پس از پیروزی انقلاب با وجود انگیزه‌های قوی در زمینه‌ی کاهش محرومیت روستاهای کشور به دلیل ضعف چهارچوب نظری

1. Improvement Approach
2. Trans Formation

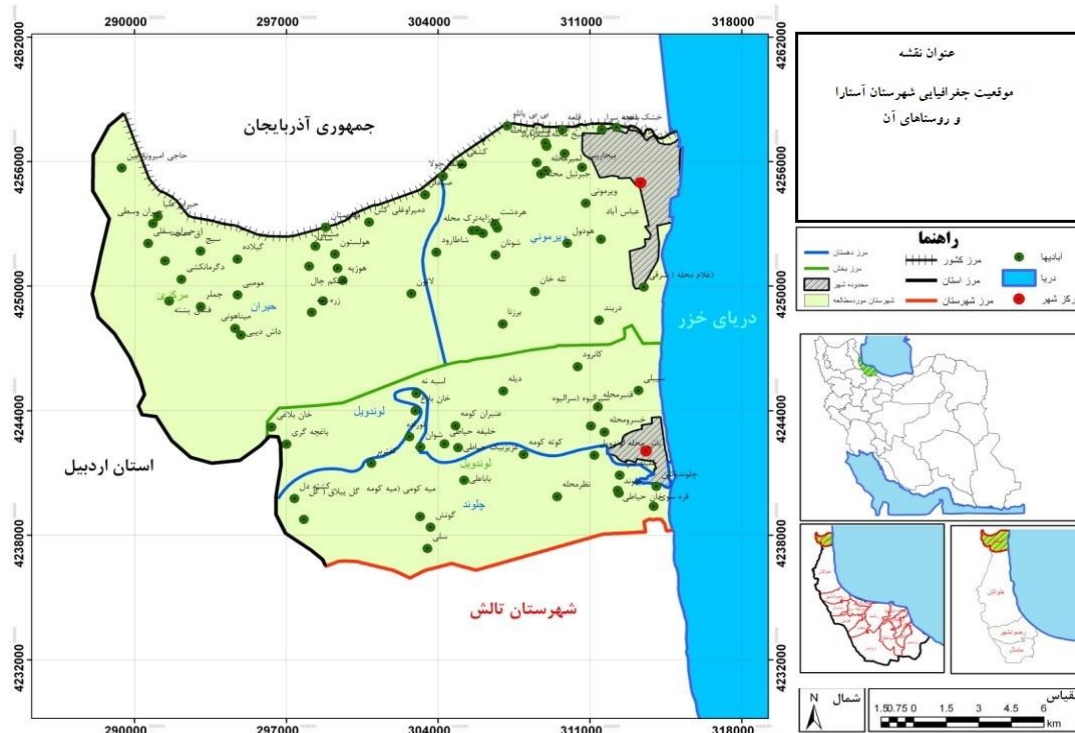
نظام سیاست گذاری روستایی، نبود راهبرد مدون، انطباق نداشتن فعالیت های روستایی با یکدیگر و موازی کاری دستگاه های اجرایی و یکپارچه نبودن عناصر کلیدی سیاست گذاری روستایی (مردم، مکان و فعالیت ها)، روند توسعه و عمران روستاها براساس انتظار تحقق نیافته است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹). در این راستا، به منظور توسعه روستایی سیاست گذاری در ابعاد ملی با تأکید بر پتانسیل های محلی و بومی ضروری می باشد. در ایران چهار سطح مدیریتی برای سیاست گذاری وجود دارد که در پیوند تنگاتنگ با هم جامعه را مدیریت می کنند: ۱- سطح ابرسیاست ها (رهبری نظام و ستادهای تخصصی ایشان)؛ ۲- سطح سیاست های عمومی (دولت به مفهوم سه قوه یا مدیریت سیاسی)؛ ۳- سطح راهبردهای سیاستی (مدیریت دولتی)؛ و ۴- سطح راهبردهای بنگاهی (مدیریت بخش خصوصی)؛ به بیان دیگر سطح نخست سیاست های کلان را تدوین، سطح دوم در پرتو آنها سیاست های عمومی را وضع، سطح سوم ضمن دخالت در تدوین سیاست ها در عمل آنها را اجرا و سطح چهارم در کنار مدیریت دولتی به تحقق اهداف کلان کشور در پرتو تدوین راهبردهای بنگاهی کمک می کند (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۱). برنامه های توسعه ای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران نیز دربرگیرنده ی چهار سطح سیاست گذاری است که از تدوین سیاست ها کلان تا سطح راهبردهای مدیریتی را شامل می گردد.

روش شناسی تحقیق:

روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی- کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی-اکتشافی می باشد. جامعه ی آماری تحقیق نیز شامل مدیران، مسئولان و کارشناسان مسائل روستایی استان گیلان و شهرستان آستارا بوده که با توجه به مشخص نبودن تعداد آن با استفاده از فرمول کوهن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۷۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است. روش دسترسی به حجم نمونه نیز بر مبنای الگوی غیرتصادفی هدفمند بوده است. همچنین در راستای تحلیل اطلاعات از آزمون های تی تک نمونه ای و رگرسیون خطی و لگاریتمی در نرم افزار SPSS استفاده شده است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر ابتدا از طریق تحلیل محتوای اسناد موجود در راستای آمار و اطلاعات موجود اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا، تغییرات ایجاد شده در برنامه های چهارم و پنجم توسعه شناسایی گردیده و سپس با پرسشگری از حجم نمونه تأثیر ابعاد مختلف بر اقتصاد روستاها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

معرفی قلمرو مورد مطالعه:

شهرستان آستارا در شمال غرب استان گیلان قرار داشته و با مساحت ۴۳۰ کیلومتر مربع حدود ۳ درصد از کل مساحت استان را به خود اختصاص داده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی شهرستان مورد مطالعه در ۴۸ درجه و ۵۲ دقیقه و ۳۸ درجه و ۲۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. این شهرستان از طرف شمال به رودخانه ی آستارا چای (مرز بین ایران و آذربایجان)، از سمت جنوب به شهرستان تالش، از سمت غرب به ارتفاعات تالش و از شرق به دریای خزر محدود می شود. از نظر تقسیمات کشوری دارای دو بخش (مرکزی و لوندویل) و چهار دهستان با نام های ویرمونی، حیران، چلونند و لوندویل است. در این شهرستان در مجموع ۸۱ روستای دارای سکنه و ۱۲ روستای خالی از سکنه استقرار دارند و از ۸۱ روستا دارای سکنه، ۴۹ روستا بالای ۲۰ خانوار می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). از نظر توپوگرافی شهرستان مورد مطالعه دارای بخش ساحلی، جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی است که به ترتیب از تراکم جمعیت و سکونتگاه های بیشتری برخوردار هستند. این منطقه به دلیل داشتن ریزش های جوی، خاک مساعد و دمای معتدل، مساعد برای کشاورزی است. به همین دلیل نیز بیشترین تراکم جمعیتی منطقه را در خود جای داده است. طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان آستارا ۹۱۲۵۷ نفر بوده که از این تعداد، ۲۸۴۴۳ نفر در مناطق روستایی و ۶۲۸۱۴ نفر در مناطق شهری اسکان داشته اند.



شکل (۲): موقعیت جغرافیایی شهرستان آستارا و روستاهای آن

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل:

الف) بررسی اقتصاد غالب روستاهای شهرستان آستارا

محصولات زراعی-باغداری: استان گیلان و شهرستان آستارا به پشتوانه‌ی امکانات غنی آب و خاک و توانایی‌های بالقوه‌ی محیطی مناسب، یکی از نواحی اصلی کشاورزی کشور محسوب شده و به همین جهت نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای جذب فعالیت‌های کشاورزی می‌شوند. در این راستا قابل بیان است که سطح زیرکشت محصولات کشاورزی در روستاهای شهرستان آستارا از ۵۳۰۳ هکتار در سال ۱۳۸۵ به ۵۳۷۱ هکتار در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین سطح زیرکشت محصولات زراعی، ۴۵۲۲ هکتار در سال ۱۳۸۵ بوده است که به ۳۷۲۸ هکتار در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. در مقابل سطح زیرکشت محصولات باغی از ۷۸۱ هکتار به ۱۶۴۳ هکتار افزایش یافته است. این تغییرات نشان می‌دهد گرایش کشاورزان شهرستان آستارا به تولید محصول باغی بیشتر شده است. از طرفی به نظر می‌رسد که مشکلات و موانع مختلف در مراحل کشت، داشت و برداشت محصولات زراعی مثل برنج و به‌صرفه نبودن قیمت آن، کشاورزان را به سوی باغداری سوق داده است.

محصولات دامی: محصولات دامی به این ترتیب است که تولید گوشت قرمز در شهرستان آستارا از ۱۰۹۵ تن به ۸۷۰ تن کاهش یافته است و به تبع آن میزان تولید سرانه‌ی گوشت قرمز از ۱۳/۷ به ۹/۵ کیلوگرم به ازای هر نفر کاهش داشته است. تولید شیر نیز در شهرستان آستارا در سال ۱۳۸۵، ۸۴۸۵ تن و سرانه‌ی تولید ۱۰۶/۲ کیلوگرم بر نفر بوده است که در طی ده سال به ۸۷۷۰ تن و ۷۴ کیلوگرم بر نفر کاهش یافته است. تولید گوشت اما مرغ همواره روندی افزایشی داشته است و از ۱۱۳۷ به ۱۵۲۹ تن افزایش یافته است. همچنین تولید ماهی سردآبی و گرم‌آبی در شهرستان آستارا از ۱۸۲ تن در سال ۱۳۸۵ به ۴۳۶ تن در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

تعاونی‌های کشاورزی: طی دوره‌ی آماری مورد مطالعه (۱۳۸۵-۱۳۹۵)، تعداد تعاونی‌های کشاورزی در شهرستان آستارا از ۱۷ به ۳۱ مورد و تعداد اعضا از ۱۸۷ به ۳۹۴ افزایش یافته است. علاوه بر این میزان سرمایه‌ی این تعاونی‌ها نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است، به طوری که سرانه‌ی سرمایه‌ی تعاونی‌های کشاورزی در شهرستان آستارا از ۸۲۵۱ به ۱۳۹۰۲ هزار ریال رسیده است.

محصولات صنعتی: صنایع تبدیلی، بسته‌بندی و کارگاه‌های صنایع دستی از جمله بنگاه‌های اقتصادی مفید و مؤثر در نقاط روستایی هستند. این صنایع با کمترین مخاطره در حوزه‌ی زیست‌محیطی و طبیعی و بازدهی بالا، بیشترین سازگاری را در محیط‌های روستایی دارد. هرچه رشد این صنایع در روستاها گسترش یابد سبب ایجاد اشتغال در روستا و کاهش مهاجرت به شهر (که منجر به تحمیل بار فرهنگی-اجتماعی به شهرها می‌شود) خواهد شد. از جمله مهمترین صنایع کوچک در روستاهای شهرستان آستارا می‌توان به کارخانه‌های برنجکوبی، کارگاه‌های تولید و بسته‌بندی میوه‌ی خشک، قالی‌بافی و ... اشاره کرد. طی سال‌های ۸۵ تا ۹۵ تعداد کارخانه‌های برنجکوبی از ۱۱ به ۱۲ مورد رسیده است. از سوی دیگر تعداد کارگاه‌های صنایع غذایی از ۸ به ۱۹ افزایش یافته است. به نظر می‌رسد گرایش به تولید محصولات باغی نظیر کیوی منجر به رشد صنایع مربوطه شده است. تعداد کارگاه‌های صنایع دستی نیز طی این دوره‌ی ۱۰ ساله از ۵۹۱ در سال ۱۳۸۵ به ۱۹۱۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین به تبع افزایش کارگاه‌های صنایع دستی شاهد افزایش میزان اشتغال در این حوزه می‌باشیم. در این راستا، طی این بازه زمانی تعداد شاغلین در بخش صنایع دستی در روستاهای شهرستان آستارا از ۷۲۴ نفر به ۲۱۱۶ افزایش یافته است. بنابراین می‌توان گفت این بخش از پتانسیل خوبی برای اشتغال‌زایی برخوردار است که طی این سال‌ها نیز عملکرد قابل قبولی ارائه داده است.

در جدول شماره ۱ و ۲ به محصولات و اقتصاد غالب روستاهای استان گیلان و شهرستان آستارا پرداخته شده است.

جدول (۱): گزارش عملکرد اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا و استان گیلان طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

ردیف	شاخص / متغیر	واحد اندازه گیری	مقدار شاخص / متغیر	
			۱۳۸۵	۱۳۹۵
			شهرستان آستارا	استان گیلان
۱	سطح زیر کشت محصولات کشاورزی	هکتار	۴۱۰۵۴۰	۴۳۹۳۲۳
۲	سطح زیر کشت محصولات زراعی	هکتار	۳۰۷۱۴۲	۳۱۵۷۶۸
۳	تولید محصولات زراعی	تن	۱۳۳۲۳۵۷	۱۴۸۴۲۰۵
۴	عملکرد در هکتار محصولات زراعی	تن/هکتار	۴/۳۳	۴/۷۰
۵	سطح زیر کشت محصولات باغی	هکتار	۱۰۳،۳۹۸	۱۱۳۵۵۶
۶	تولید محصولات باغی	تن	۵۱۷۱۹۳	۵۶۰۲۱۴
۷	عملکرد در هکتار محصولات باغی	تن/هکتار	۰/۵	۴/۳۲
۸	تولید محصولات عمده (شلتوک برنج)	تن	۵۵۳۳۲۷	۱۱۰۶۵۳۱
۹	تولید محصولات عمده (کیوی)	تن	۶۹۲۳	۱۴۱۱۳۶
۱۰	تعداد تعاونی	باب	۷۰۷	۷۹۷
۱۱	اعضای تعاونی	نفر	۱۴۹۱۲	۱۰۲۳۷
۱۲	سرانه‌ی سرمایه‌ی تعاونی‌های کشاورزی	هزار ریال/اعضا	۲۵۶۲	۱۶۷۹۰
۱۳	تولید گوشت	تن	۳۰۱۷۰	۲۶۵۲۰
۱۴	سرانه‌ی تولید گوشت	کیلوگرم/نفر	۱۲/۵	۱۰/۵
۱۵	تولید گوشت مرغ	تن	۵۰۶۱۳	۱۴۸۱۶۹
۱۶	سرانه‌ی تولید گوشت مرغ	کیلوگرم/نفر	۲۱/۰	۵۸/۵
۱۷	تولید شیر	تن	۲۷۳۵۰۴	۲۵۶۳۲۰
۱۸	سرانه‌ی تولید شیر	کیلوگرم/نفر	۱۱۳/۷	۱۰/۱
۱۹	تولید ماهی	تن	۲۲۰۶۶	۵۰۹۷۰

مأخذ: (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۸۵-۱۳۹۵).

جدول (۲): گزارش توزیع بنگاه‌های کوچک اقتصادی روستایی در شهرستان آستارا و استان گیلان طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

مقدار شاخص / متغیر						واحد اندازه‌گیری	شاخص / متغیر
۱۳۹۵		۱۳۹۰		۱۳۸۵			
شهرستان	استان	شهرستان	استان	شهرستان	استان		
آستارا	گیلان	آستارا	گیلان	آستارا	گیلان		
۱۲	۱۹۰۴	۱۲	۱۸۹۵	۱۱	۱۸۶۹	باب	کارخانه‌های برنجکوبی
۱۹۱۳	۳۳۵۸۵	۷۴۸	۲۲۱۳۱	۵۹۱	۱۴۲۴۳	باب	کارگاه‌های تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۲۱۱۶	۳۷۴۴۳	۹۴۶	۲۵۱۴۶	۷۲۴	۱۶۵۲۹	نفر	میزان اشتغال صنعتگران تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۹	۲۰۲۳	۱۵	۱۹۸۵	۸	۳۸۴	تعداد	پروانه‌های بهره‌برداری صنایع غذایی روستایی

مأخذ: (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۵-۱۳۸۵).

ب) بررسی توسعه اقتصادی مناطق روستایی شهرستان آستارا در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه^۱

با بررسی اطلاعات موجود از برنامه‌های توسعه‌ی چهارم و پنجم، می‌توان گفت که تغییرات اشتغال طی این دو دوره روند صعودی، هرچند با شیب کند ولی قابل قبولی را داشته است. همچنین با توجه به مشکلات بیکاری در سطح استان، این تغییرات تقریباً پایدار طی برنامه‌های چهارم و پنجم، ثبات نسبی در این زمینه را نشان می‌دهد. از طرفی نتایج نشان می‌دهد که مراکز تجاری-صنعتی تحت حمایت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با رشد ۲۶/۵۶ درصدی طی برنامه‌ی چهارم و رشد قابل ملاحظه‌ی ۱۵۵/۷ درصدی در طی برنامه‌ی پنجم توسعه روبه‌رو بوده است. به تبع این روند مثبت میزان اشتغال در این واحدها نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است و یکی از دلایل ثبات نرخ اشتغال، افزایش این صنایع کوچک محلی هستند. صنایع غذایی روستایی نیز طی دوره‌ی چهارم توسعه افزایش ۸۷/۵ درصدی را داشته است که این مقدار در طول برنامه‌ی پنجم توسعه نیز همچنان روند رو به رشد ولی با شیب کمتر را نشان می‌دهد؛ صنایع مربوط به تولید میوه خشک، لبنیات و ... از مهمترین این صنایع هستند.

جدول (۳): میزان رشد شاخص‌های توسعه اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا طی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

برنامه‌ی پنجم		برنامه‌ی چهارم		شاخص‌ها	نام بخش
درصد	مقدار	درصد	مقدار		
-	۳/۵	-	۳/۳	نرخ اشتغال	اشتغال و صنعت روستایی
۰	۰	۹/۰۹	۱	کارخانه‌های برنجکوبی	
۱۵۵/۷	۱۱۶۵	۲۶/۵۶	۱۵۷	کارگاه‌های تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	
۱۲۳/۶۷	۱۱۷۰	۳۰/۶۶	۲۲۲	میزان اشتغال صنعتگران تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	
۲۶/۶۶	۴	۸۷/۵	۷	پروانه‌های بهره‌بردار صنایع غذایی روستایی	

مأخذ: (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۵-۱۳۸۵؛ محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۱).

^۱ - عدم استفاده از برنامه‌ی ششم توسعه در این بخش به علت نبود اطلاعات آماری برای سنجش اثرات این برنامه بر توسعه اقتصادی روستاهای مورد بررسی و همچنین اهداف مطرح شده در رساله‌ی انجام گرفته (یعنی بررسی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه) است.

ج) ارزیابی تأثیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه در توسعه اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا

به منظور ارزیابی تأثیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه‌ی چهارم و پنجم در توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا از آزمون تی و ضریب رگرسیون خطی و لگاریتمی استفاده شده است. در این راستا، ابتدا مهمترین سیاست‌های توسعه‌ی اقتصادی در این برنامه‌ها شناسایی شده و سپس میزان تأثیر هر کدام از این سیاست‌ها در توسعه‌ی اقتصادی روستاهای مورد مطالعه از حجم نمونه مورد پرسشگری قرار گرفته است.

ارزیابی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که در برنامه‌ی چهارم سیاست‌های اصلاح ساختار حقوقی مصرف انرژی بخش کشاورزی با افزایش راندمان آن و ایجاد صندوق درآمد کشاورزان با مشارکت دولت و کشاورزان و در برنامه‌ی پنجم سیاست توسعه‌ی زیرساخت‌های پشتیبان تولید محصولات دارای ارزش پایین‌تر از آزمون تی (یعنی ۳) بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که از ۱۰ سیاست مورد بررسی در برنامه‌های توسعه‌ی چهارم و پنجم تنها ۳ سیاست دارای وضعیت نامطلوبی می‌باشند و به‌طور کلی سیاست‌های دولت در برنامه‌های توسعه‌ی مورد بررسی بر توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا تأثیر مثبتی داشته‌اند.

جدول (۴): بررسی تأثیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه بر اقتصاد روستاهای مورد بررسی

برنامه‌ها	سیاست‌ها	T آماره (ارزش آزمون (۳)	میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
برنامه‌ی چهارم توسعه	اصلاح ساختار حقوقی مصرف انرژی بخش کشاورزی با افزایش راندمان آن	۰/۷۸	۱/۷۹	۶۹	۰/۰۶۲	رد
	پوشش حداقل پنجاه درصدی بیمه‌ی محصولات	۶/۹۴	۳/۷۲	۶۹	۰/۰۰۰	تأیید
	حمایت از گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی	۷/۱۱	۴/۰۳	۶۹	۰/۰۰۰	تأیید
برنامه‌ی پنجم توسعه	ایجاد صندوق درآمد کشاورزان با مشارکت دولت و کشاورزان	۰/۰۸	۲/۰۹	۶۹	۰/۱۲۸	رد
	نوسازی و توسعه‌ی باغ‌های موجود	۵/۸۴	۳/۵۶	۶۹	۰/۰۰۰	تأیید
	پوشش بیمه برای اشتغال در بخش‌های مختلف	۶/۵۳	۳/۷۹	۶۹	۰/۰۰۰	تأیید
	بهره‌گیری از انواع ابزارها و شیوه‌های تشویقی و حمایتی برای تسهیل در روند توسعه‌ی بازارهای مالی روستایی	۴/۷۷	۳/۲۴	۶۹	۰/۰۰۰	تأیید
	توسعه‌ی زیرساخت‌های پشتیبان تولید محصولات	۱/۵۶	۲/۵۴	۶۹	۰/۰۹۴	رد
	سرمایه‌گذاری و تسهیل در دسترسی به اعتبارات ملی - استانی و تسهیلات بانکی	۴/۲۶	۲/۹۸	۶۹	۰/۰۰۰	تأیید
	تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و توسعه‌ی منابع انسانی	۶/۱۹	۳/۴۴	۶۹	۰/۰۰۰	تأیید

همچنین به منظور سنجش تأثیر هر کدام از برنامه‌ها در توسعه‌ی اقتصادی روستاهای مورد مطالعه از آزمون ضریب رگرسیونی خطی و لگاریتمی استفاده شده است.

جدول (۵): آماره‌ی تبیینی اولیه‌ی تأثیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه بر روی توسعه‌ی اقتصاد روستایی

متغیر وابسته: توسعه‌ی اقتصاد روستایی					
نوع مدل: رگرسیون خطی (Linear-R)					
Sig	انحراف معیار	مجذور R تصحیح شده	ضریب تبیین (میزان مربع R)	R	برنامه‌ها
۰/۰۰۲	۱/۰۰۳	۰/۷۲۷	۰/۵۳۸	۰/۷۳۴	برنامه‌ی چهارم توسعه
۰/۰۰۰	۱/۱۱۷	۰/۷۷۸	۰/۶۰۹	۰/۷۸۱	برنامه‌ی پنجم توسعه
نوع مدل: رگرسیون لگاریتمی (Logharitmic-R)					
Sig	انحراف معیار	مجذور R تصحیح شده	ضریب تبیین (میزان مربع R)	R	برنامه‌ها
۰/۰۰۰	۱/۰۰۸	۰/۷۲۳	۰/۵۳۱	۰/۷۲۹	برنامه‌ی چهارم توسعه
۰/۰۰۱	۱/۱۲۴	۰/۷۶۶	۰/۵۹۷	۰/۷۷۳	برنامه‌ی پنجم توسعه

نتایج به دست آمده از ورود داده‌ها در قالب متغیر مستقل و وابسته به مدل‌های رگرسیونی خطی و لگاریتمی نشان از تبیین درست ساختار تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته دارد. چرا که فرایند تبیین این تأثیر در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار می‌باشد و در این بین بر اساس میزان ضریب همبستگی چندگانه‌ی تبیین شده‌ی به دست آمده برای متغیرهای مستقل میزان تأثیر برنامه‌های توسعه بر توسعه‌ی اقتصاد روستاهای شهرستان آستارا مثبت و معنادار می‌باشد. در ادامه ضرایب تبیین نهایی آماره‌ی مدل‌های رگرسیونی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

جدول (۶): ضرایب تبیین نهایی آماره‌ی مدل‌های رگرسیونی برای سنجش تأثیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه بر روی توسعه‌ی اقتصاد روستایی

متغیر وابسته: توسعه‌ی اقتصاد روستایی					
نوع مدل: رگرسیون خطی (Linear-R)					
		ضریب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		برنامه‌ها
Sig	t	β	خطای B	B	
۰/۰۰۰	۲۲/۱۰۵	۰/۷۳۹	۰/۰۰۹	۱/۲۰۱	برنامه‌ی چهارم توسعه
۰/۰۰۰	۲۲/۷۸۲	۰/۷۶۵	۰/۰۰۵	۱/۵۲۱	برنامه‌ی پنجم توسعه
نوع مدل: رگرسیون لگاریتمی (Logharitmic-R)					
		ضریب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		برنامه‌ها
Sig	t	β	خطای B	B	
۰/۰۰۰	۲۲/۹۹۳	۰/۷۴۲	۰/۰۱۱	۱/۲۱۳	برنامه‌ی چهارم توسعه
۰/۰۰۱	۲۳/۴۵۹	۰/۷۷۲	۰/۰۱۴	۱/۵۲۹	برنامه‌ی پنجم توسعه

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که برنامه‌ی پنجم توسعه تأثیر بیشتری را بر توسعه‌ی اقتصادی روستاهای شهرستان آستارا گذارده و ضرایب بتای آن در رگرسیون خطی ۰/۷۶۵ و در رگرسیون لگاریتمی ۰/۷۷۲ است. همچنین ضرایب بتای برنامه‌ی چهارم در رگرسیون خطی ۰/۷۳۹ و در رگرسیون لگاریتمی ۰/۷۴۲ می‌باشد.

نتیجه گیری:

در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه، شناخت و تبیین توسعه‌یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آنها اهمیت زیادی دارد. در این بین، رسالت توسعه‌ی روستایی، رشد و بهبود کیفیت زندگی است که این امر با تخصیص هدفمند منابع مالی و فنی به مناطقی که بیشترین نیاز را دارند و نیز از طریق انجام اقداماتی که بالاترین زمینه و پتانسیل را دارند، صورت می‌گیرد. بدین منظور نیازمند سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مشخص در اسناد فرادست و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در راستای تحقق طرح‌های توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی اقتصادی در سطح محلی می‌باشیم. در این بین یکی از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های مهم در راستای توسعه‌ی اقتصادی روستایی برنامه‌های توسعه‌ی ۵ ساله می‌باشد و هدف از تحقیق حاضر ارزیابی عملکرد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران در توسعه‌ی روستاهای شهرستان آستارا است. نتایج حاصل از بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت همواره در توسعه‌ی روستایی نقش پررنگی داشته است و توسعه‌ی روستایی بدون دخالت مستقیم و یا غیرمستقیم دولت نمی‌تواند مداوم و پایدار باشد. در روستاهای شهرستان آستارا و توسعه‌ی اقتصادی آنها نیز تأثیرات مثبت سیاست‌های دولتی در قالب برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مشهود می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که در حال حاضر مهمترین درآمد روستاییان این شهرستان بر پایه‌ی تولیدات کشاورزی به خصوص برنج می‌باشد. دیگر بخش‌های تولیدی از قبیل دامداری، باغداری و صیادی به ترتیب در رتبه‌های بعدی فعالیت‌های اقتصادی قرار دارند. همچنین کارگاه‌های تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز طی سال‌های اخیر رشد چشم‌گیری داشته است. از طرفی می‌توان بیان داشت که روستاهای مورد مطالعه به دلیل شرایط آب‌وهوایی مناسب و بارش فراوان شرایط مناسبی را جهت کشت برنج و باغداری دارا بوده و حمایت‌های دولت و بخش خصوصی جهت مکانیزه کردن بخش کشاورزی و آبیاری نوین توانسته در بهبود محصولات کشاورزی و باغی مؤثر باشد. دولت با تسهیل ارائه‌ی خدمات بانکی، تجهیز ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی توانسته در توسعه‌ی بخش کشاورزی و باغی مفید باشد و جهت توسعه‌ی اقتصادی با توجه به توانمندی، پتانسیل‌های محیطی و انسانی اقدامات مناسبی انجام دهد. به‌طور کلی نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی روستاهای مورد بررسی در وضعیت مطلوبتری قرار دارند. با این حال، جهت نیل به توسعه‌ی اقتصادی روستایی در محدوده‌ی مورد مطالعه بایستی در یک رویکرد نظام‌مند همه‌ی جوانب را در نظر گرفت.

با توجه به وضعیت موجود توسعه‌ی اقتصادی روستاهای مورد مطالعه می‌توان پیشنهادهای زیر را برای دست‌یابی به وضعیت مطلوب این روستاها ارائه داد:

- ارائه‌ی سازوکارهایی به‌منظور توزیع منافع حاصل از توسعه‌ی اقتصادی بین تمامی روستاییان در راستای حفظ و ماندگاری ساکنان در روستاهای شهرستان؛
- انسجام و ارتباط بین ابعاد مختلف توسعه همچون توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست‌محیطی در راستای افزایش کیفیت زندگی روستاهای مورد مطالعه؛
- ارائه‌ی طرح نظام‌مند محلی و بومی و هم‌راستایی آنها با اسناد فرادست (طرح‌ها و برنامه‌های ۵ ساله)؛
- تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها و افزایش فرصت‌های شغلی و درآمدی در بخش کشاورزی و غیر کشاورزی به‌ویژه صنعت، توریسم و بازرگانی؛
- توسعه‌ی زیرساخت‌های پشتیبان تولید محصولات و فرآورده‌های کشاورزی سبز (آموزش و ترویج، توزیع نهاده‌های استاندارد، انبار، ماشین‌آلات و تجهیزات و ...)

- تقویت نهادهای مدنی کارآفرین شبکه‌ای مناطق روستایی در زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی (کشاورزی و غیرکشاورزی)؛ توسعه‌ی نظام بیمه‌ی منابع تولیدی و محصولات کشاورزی و گردشگری؛
- بایستی هدف از صنعتی کردن روستا در درجه‌ی اول حمایت و پشتیبانی از تولیدات کشاورزی و دامی باشد تا روستاییان بتوانند با اطمینان خاطر به تولید محصولات کشاورزی بپردازند. این امر می‌تواند بر حسب سیاست‌های حمایتی و قیمت‌گذاری و یا با پرداخت سوبسید و خرید مازاد کشاورزان انجام پذیرد.
- سازوکاری به‌منظور جبران کمبود درآمد و تأمین درآمد کافی متناسب با هزینه‌های سالانه‌ی روستانشین‌ها، اشتغال روستاییان در ایام بیکاری فصلی و اوقات بیکاری پنهان در کارگاه‌ها و مراکز صنعتی روستایی و تولید کالاهای صنعتی و افزایش درآمد آنها از این طریق اندیشیده گردد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- اسدی، زینب؛ پوررمضان، عیسی؛ مولایی هاشجین، نصرالله (۱۳۹۵). نقش مشارکت در توسعه‌ی روستایی بخش خشکبیجار شهرستان رشت. *اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی*. ۵ (۱)، ۸۲-۶۱.
- بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا؛ خدادادی، پروین (۱۳۹۸). تحلیل محتوای کیفی سیاست‌های فضایی توسعه‌ی روستایی کشور پس از انقلاب اسلامی. *برنامه‌ریزی فضایی*. ۹ (۳۲)، ۲۴-۱.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). روش‌شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور. *نشریه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی*. ۲ (۶)، ۱۵۵-۱۲۵.
- زاهدی، محمدجواد؛ غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۹۱). کاستی‌های نظری برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران. *پژوهش‌های روستایی*. ۴ (۱۲)، ۲۴-۱.
- سیدنقوی، میرعلی؛ بابایی، علی (۱۳۹۲). ارزیابی سیاست‌های توسعه‌ی اقتصاد روستایی از دیدگاه منطقه‌ای با نگاهی بر سیاست‌های دولت در ایران. *پژوهش‌های روستایی*. ۴ (۳)، ۴۷۹-۴۵۱.
- شمس‌الدینی، علی؛ جمینی، داود (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد نهادهای متولی در توسعه‌ی سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد معادلات ساختاری مورد مطالعه: شهرستان جوانرود. *جغرافیا و توسعه*. ۱۴ (۴۳)، ۵۰-۳۵.
- طالشی، مصطفی؛ شاطریان، محسن؛ گنجی‌پور، محمود (۱۴۰۰). نقش دولت در توانمندسازی جوامع روستایی، مورد مطالعه ناحیه‌ی کاشان در ایران مرکزی. *کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی*. ۲ (۹)، ۲۲۳-۲۰۳.
- Abreu, I., Mesias, F.J. & Ramjo, J. (2022). Design and validation of an index to measure development in rural areas through stakeholder participation. *Journal of Rural Studies*. 95, 232-240.
- Aguilar, A.G. (2008). Peri-urbanization, illegal settlements and environmental impact in Mexico City. *Cities*. 25 (3), 133-145.
- Chen, A. & Scott, S. (2014). Rural development strategies and government roles in the development of farmers' cooperatives in China. *Journal of Agriculture, Food Systems, and Community Development*. 4 (4), 35-55.
- Cheshire, P. (2017). *Identifying Principles for Spatial Policy: Levels of Intervention, Last Assessed* (8/1/2017). www.apdr.pt/siteRPER/numeros/RPER13/13.4.pdf.
- Cirella, G.T. & Tao, L. (2010). The index of sustainable functionality: an application for measuring sustainability. *International Journal of Human and Social Sciences*. 5, 279-285.
- Deng, H. et al (2010). Policy support and emerging farmer professional cooperatives in rural China. *China Economic Review*. 21 (4), 495-507.
- Ferreira, F.A.F. et al (2022). Urban blight remediation strategies subject to seasonal constraints. *European Journal of Operational Research*. 296 (1), 277-288.

Freshwater, D. (2007, June). *Rural Development and the Declining Coherence of Rural Policy: An American and Canadian Perspective*. Paper prepared for the conference, Public Policy and Rural Development – An EU/US Comparison, Wye, UK.

Freshwater, D. & Trapasso, R. (2014). The disconnect Between Principles and Practice: Rural Policy Reviews of OECD Countries. *Growth and Change*. 45 (4), 477–498.

Garnevska, E.; Liu, G. & Shadbolt, N. M. (2011). Factors for successful development of farmer cooperatives in northwest China. *International Food and Agribusiness Management Review*. 14 (4), 69–84.

Howlett, T. (2011). *Designing Public Policy: Principles and instruments*. Routledge. First Edition. [N.P]: London and New York.

Hu, S. et al (2022). A framework for assessing sustainable agriculture and rural development: A case study of the Beijing-Tianjin-Hebei region, China. *Environmental Impact Assessment Review*. 97, 1-14.

Komeily, A. & Srinivasan, R.S. (2015). A need for balanced approach to neighborhood sustainability assessments: a critical review and analysis. *Sustainable Cities and Society*. 18, 32–43.

Mohammed, H. & Muhammad, Y. (2019). The role of local government in rural development in Nigeria: A study of Lafia local government area of Nasarawa state. *African Journal of Social Sciences and Humanities Research*. 2 (3), 1-11.

OECD. (2006). *The New Rural Paradigm: Policies and Governance*. OECD Rural Policy. Reviews. First Edition. Paris: OECD publishing.

Patrick, R. (2002). *Developing Sustainability Indicators for Rural Residential Areas: The Public Transit Connection*. Simon Fraser University: United State.

Qingjuana, Y.; Beia, L. & Kuia, L. (2011). The rural landscape research in Chengdu's urban-rural intergration development. *Procedia Engineering*, 21, 780-788.

Thorn, J.; Thornton, T.F. & Helfgott, A. (2015). Autonomous adaptation to global environmental change in peri-urban settlements: Evidence of a growing culture of innovation and revitalisation in Mathare Valley Slums, Nairobi. *Global Environmental Change*. 31 (1), 121–131.

Torre, A.; Wallet, F. & Huang, J. (2023). A collaborative and multidisciplinary approach to knowledge-based rural development: 25 years of the PSDR program in France. *Journal of Rural Studies*. 97, 428-437.

Vargas, S. (2010). Rural development and bioenergy: An alternative approach. In Y. Khwaja (Ed.). *The BEFS Analysis for Peru. Supporting the Policy Machinery in Peru*. Rome: Food and Agriculture Organisation (FAO).

Woka Ihuah, P.; Ibimina Kakulu, I. & Eaton, D. (2014). A review of Critical Project Management Success Factors (CPMSF) for sustainable social housing in Nigeria. *International Journal of Sustainable Built Environment*. 3 (1), 62-71.

Yuliasuti, N. & Saraswati, N. (2014). Environmental quality in urban settlement: the role of local community association in east Semarang sub-district. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 135, 31–35.

نحوه ارجاع به مقاله:

عبادالهیان، فرشته؛ حسنی مهر، سیده صدیقه؛ شهماری اردجانی، رفعت؛ اصغری، حسین (۱۴۰۳)، ارزیابی اثرات سیاست‌های دولت در توسعه‌ی اقتصادی مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان آستارا)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۳ (۴۹)، ۴۲-۵۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

